

## جایگاه آموزش و پژوهش در رشد و توسعه چین امروز

دکتر فریدون وردی نژاد 1

چکیده

در دنیای امروز کانون‌های قدرت و ثروت متعددی وجود دارند که در تعامل با یکدیگر هستند. حضور در رخدادهای جهانی و گریز از حاشیه نشینی ایجاب می‌نمایند که همه کشورها دیپلماسی اقتصادی کارآمد و مؤثری برای پیشبرد اهداف خود داشته باشند. کوشش هر کشوری برای دستیابی به موقعیت بهتر در اقتصاد جهانی مستلزم شناخت دقیق امکانات، توانایی‌ها و فرصت‌های موجود است.

شاید امروزه جذب مدیریت، تجربه و سرمایه‌های خارجی، انتقال تکنولوژی، صدور خدمات و گسترش تجارت خارجی از اولویت بالایی در مناسبات سیاسی و اقتصادی ملت‌ها برخوردار باشد. اما توجه به این نکته اساسی خالی از فایده نیست که مزیت‌های آموزشی و نیروی انسانی برای بسیاری از صاحبان سرمایه، بازرگان و صاحبان بنگاه‌های اقتصادی وسوسه‌انگیز است. از آنجایی که اقتصاد ملی کشورها از دو مسیر تجارت و سرمایه‌گذاری با اقتصاد جهانی مرتبط می‌شود، بر دولت و بنگاه‌های جویای کسب و کار فرض است که قوانین و مقررات ضروری برای ایجاد تسهیلات بیشتر در این مسیر را سرلوحه کار خود قرار دهند تا اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی تعامل سازنده‌ای داشته باشد.

کلید واژه‌ها:

آموزش و پژوهش در چین، مدل چینی، توسعه چین، تفکر عملگرایی، چینی‌های ماورای بحار

### 1. عضو هیات علمی دانشگاه تهران

مقدمه

با توجه به اهمیت نیروی انسانی و مزیت رقابتی بالای آن در ایران و نیز محوریت این بخش در ارتباط با جهان خارج و جذابیت بازار ایران برای بسیاری از کشورها، ایجاد یک ساختار اعتماد آفرین در بنیان‌های تحقیقی و پژوهشی که در برگیرنده منافع پایهای کشور باشد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دارد.

اما سؤال اصلی این است که توسعه ایران در راستای سند چشم‌انداز 20 ساله چگونه و با چه ویژگی‌هایی باید دنبال شود و آیا تجربیات و دستاوردهای آموزشی سایر کشورها می‌تواند حاوی آموزه‌های عملی برای ایران باشد و آیا ایران قادر است از تجربیات، دستاوردها و آموزه‌های سایر ملل جهان درس‌های ارزشمندی بیاموزد یا خیر؟

بدیهی است در هر کشوری «راه توسعه» و رسیدن به «آرزوهای ملی»، با عبور از تنگناهای فراوان و توجه به بسترها، ارزش‌ها و داشته‌های بومی و ملی ممکن و مقدور است.

بر این اساس شاید نتوان گفت که الگوی سایر کشورها در مدار توسعه ایران قابل پیاده‌سازی یا کپی برداری است، اما بهره‌گیری از تجربه‌های آن کشورها، مرور اشتباهات و انحرافات آنها و نگرش جامع برداشته‌ها و مقدرات و شیوه‌های موفقیت سایر ملت‌ها می‌تواند درسهای آموزنده‌ای برای مسیر توسعه پر فراز و نشیب ایران باشد.

بیان مسأله

چین امروز، با چین دیروز فاصله‌ای معنی‌دار پیدا کرده است. در این کشور، پیشبرد اصلاحات اقتصادی و تداوم و تکمیل سیاست درهای باز، حفظ ثبات و آرامش سیاسی و اجتماعی، همراه با توسعه وحدت و یکپارچگی ملی، وظیفه‌ای همگانی محسوب می‌شود. این اصل از ابتدای سال 1978 که اصلاحات اقتصادی آغاز شد تا به امروز، محور تغییرات ساختاری و جوهری چین بوده است و چینی‌ها آن را به عنوان "اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز بر مدار اقتدار سیاسی و امنیتی" می‌خوانند.

اصلاحات عملگراییانه دوده گذشته، سیاست درهای باز و توسعه تجارت خارجی هیچ‌گاه چینی‌ها را از توجه به اهداف و مصالح ملی غافل نکرده و رشد اقتصادی چین شتاب کنترل شده‌ای، بر بستر راهبردها داشته است.

نظارت دولتی بر آموزش و پژوهش و تدوین برنامه‌های توسعه‌ای، پس از دوده همچنان از سوی حزب تمرکزگرای چین اعمال می‌شود و برنامه‌های اقتصادی بخش خصوصی هنوز نتوانسته است که این انحصار را بشکند. البته این تمرکز و نظارت، به گونه‌ای استادانه تعبیه شده است که مزاحمت عمده‌ای برای سیاست اصلاحات و درهای باز ایجاد نکند.

دولت چین تا کنون موفق شده است با استفاده از فناوری نوین، سرمایه و دانش فنی و مدیریت خارجی و اصلاح مقررات داخلی

کشور، از طریق سیاست‌های تشویقی و اعمال تسهیلات ویژه، توان آموزشی، پژوهشی و تحقیقاتی را در قالب سرمایه‌های شگفت‌انگیز به چین سرازیر کند.

این حرکت که حاصل دوراندیشی و نکات چینی است، زمینه‌های پرورش نسل جدید مدیران چین را فراهم آورده و چین امروز را به کارخانه دنیا مبدل کرده‌است؛ به گونه‌ای که مسابقه‌ای همه جانبه برای حضور و جایابی در این اقتصاد، میان تولیدگران و کارآفرینان جهان شکل گرفته است.

بر همین اساس، مطالعه اجمالی روند «رشد اقتصادی» و دستاوردهای دو دهه گذشته جمهوری خلق چین می‌تواند «جزوه‌ای کمکی» و «تجربه‌ای آزمون شده» برای تخفیف خطاهای احتمالی و وسیله‌ای برای عبور از تهدیدها و ربایش فرصت‌های ایران اسلامی تلقی گردد.  
پیشینه بحث:

پس از انقلاب 1949 و حاکمیت کمونیست‌ها بر این کشور و با عبور از سال‌های نخستین انقلاب، همواره دو جناح قدرت در حزب کمونیست چین ظرفیت‌های ملی را به صورت مشارکتی اداره کرده و در رهبریت این کشور به بحث‌های جدی پرداخته‌اند. در یکی دو دهه نخست انقلاب، این مباحث تحت تأثیر مائو و یاران او از رنگ و بوی چندان بر خوردار نبود اما همواره سوالاتی نظیر پرسش‌های زیر در میان نخبگان و کادرهای حزبی جریان داشت:

- 1- آیا اقتصاد دولتی و گسترش بدنه دولت به نفع مردم چین است یا خیر؟
  - 2- عنصر ناکارآمدی در بدنه دولت را چه باید کرد؟
  - 3- تورم نیروی انسانی آموزش ندیده و سنتی در ساختار اقتصادی دولت چه هزینه‌ای را به اقتصاد چین تحمیل می‌کند؟
  - 4- چرا بهره‌وری نیروی انسانی در اقتصاد چین پائین است؟
  - 5- چگونه باید فناوری فرسوده چین را با تکنولوژی و مدیریت روز آمد اصلاح کرد؟
  - 6- مدیریت، سرمایه، اطلاعات و توانایی‌های چینی‌های ماوراء بحار و سایر ملت‌ها را چگونه می‌توان به پکن متصل نمود؟
- بنابراین، مقاله حاضر تلاش دارد تا با بررسی روند توسعه و اصلاحات چین، درس‌های احتمالی برای بهره‌گیری از تجربه‌های آن کشور و شیوه‌های موفقیت چین به عنوان نمونه‌ای موفق را در مسیر توسعه پر فراز و نشیب ایران مد نظر قرار دهد.

آغاز ماجرا

ماجرا از دهه 80 و با قدرت‌گیری بیشتر جناح عملگرا و اصلاح طلب خسته از انقلاب فرهنگی (76- 66 میلادی) وارد مدار جدیدی شد و تفکر عمل‌گرایانه بجای تفکر ایدئولوژیک و جهان‌سنیز، گفتمان غالب جامعه گردید. در این مرحله، باشعارها و گفتمان‌دوران دگرذیسی، سیاست‌های آرمانی به سیاست‌های ملی تغییر یافت و تحولات ساختاری و جوهری آغاز شد.

این شعارها عبارت بودند از:

- 1- ساختن چین بزرگ، مرفه و پیشرو وظیفه‌ای همگانی است.
- 2- رفاه عمومی و توسعه صلح وظیفه حزب و دولتمردان است.
- 3- همه قشرهای اجتماعی با رهبریت حزب باید در سیاست درهای بارز و توسعه اقتصادی مشارکت نمایند.
- 4- دوستی با همه کشورها و حل و فصل مسایل با همسایگان سرلوحه حرکت سیاستمداران خواهد بود.
- 5- عقلانیت جمعی و استفاده از همه توان‌ها در تصمیم‌سازی برای همگانی کردن فرهنگ توسعه ضروری است.
- 6- تولید انبوه با حداقل هزینه، قیمت ارزان و تصرف بازارهای گوناگون هدف بخش‌های تولیدی و تجاری خواهد بود.

سیاست خارجی چین

در سیاست خارجی، جمهوری خلق چین اصول پایداری را در مدار سیاست خارجی خود قرار داد و آن را 5 اصل همزیستی مسالمت‌آمیز خواند:

- 1- احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها
- 2- عدم تجاوز
- 3- عدم مداخله در امور دیگران
- 4- برابری و نفع متقابل
- 5- همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر کشورها

بر این اساس، چین بر صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی، پرهیز از هر گونه تنش با همسایگان و قدرت‌های مهم و اصرار بر حل و فصل مسالمت آمیز مناقشات و اجتناب از هر گونه رقابت و مسابقه برای تعریف حوزه نفوذ و قدرت روی آورد. چین در دو دهه گذشته، با بهره‌گیری مناسب از فضای « جنگ سرد » و رقابت ابر قدرت‌های آن دوران، امکانات بین‌المللی را در اختیار اقتصاد فرسوده خود قرار داد و با استفاده از کاتالیزوری مناسب به نام « چینی‌های ماوراء بحار »، استراتژی توسعه اقتصادی و ارتقاء موقعیت بین‌المللی خود را پی گرفت. در این راستا، حزب کمونیست با کنار گذاردن آرمانگرایی مبتنی بر تفکرات حزبی و سوسیالیستی در روابط بین‌المللی، تمرکز بر تأمین منافع ملی و پرهیز از مواضع پرهزینه را برگزید.

برنامه ریزی برای نیروی انسانی

دولت چین در سال‌های آغازین حرکت با تشکیل " وزارت چینی‌های ماوراء بحار " و دهها سازمان و نهاد دولتی در قالب بخش ارتباطات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود را با چینی‌های مهاجر و نخبگان کارآموده آن سوي (NGO خصوصی و مردمی) مرزها برقرار کرد. دستاورد این حرکت، تماس سازمان یافته با چینی‌های متخصص، نیروهای کارآمد و صاحب تجربه ساکن در سراسر جهان بود که در پرتو این سیاست و جذب نخبگان چینی از سایر نقاط جهان، زمینه (China Town) در شهرهای چینی (بهربرداری از 30 میلیون چینی‌کاران و آموزش دیده و مجرب آن سوي مرزها فراهم شد. این حرکت توانست به تعاملی دوسویه و موفق تبدیل شود و مدیریت، ارتباطات، اطلاعات، مهارت و سرمایه چینی‌های خارج‌نشین را به بازار چین وارد سازد.

به‌دنبال حضور گسترده چینی‌های مقیم خارج، شرکت‌های بزرگ و کمپانی‌های بین‌المللی تشویق شدند که سرمایه‌های خود را به چین منتقل کنند و امروزه این شبکه به " حلقه اتصال چین با دنیای صنعتی و کشورهای غربی " تبدیل شده است. توانایی‌های برشمرده، موجب شد که اقتصاد چین از جایگاه برجسته‌ای برخوردار شود و دولت این کشور توانسته است با استفاده از پول، سرمایه، مدیریت و تجربه دیگران، اقتصاد خود را تواناتر و پویاتر سازد.

اتخاذ این سیاست‌ها حاصل ارزیابی واقع‌گرایانه از توان و قدرت پکن و اجتناب از سیاست‌های شتابزده، سریع الوصول و زود بازده بود.

بنابراین، روشن است که برگزیدن سیاست‌های هدفمند و برنامه ریزی شده در حوزه‌های علوم، فناوری، تحقیقات و پژوهش، شرایط رو به رشد و پیشرفت چین را فراهم ساخته و شاید بتوان گفت برگزاري المپیک 2008 پکن نقطه عطف دیگری در گذار چین از « دوران سنتی » به دوران مدرن و صنعتی نوین خواهد بود.

واقع‌گرایی حزب کمونیست چین، خطر پذیری و بی‌باکی دنگ شیائونینگ و فشارهای اقتصادی سه عامل اصلی برای گذار چین از قطعه (79-49 میلادی) بود که به « دوره اول چین » مشهور است و الگوی توسعه چین در آن دوران اتحاد جماهیر شوروی بود. ژانویه 1979 در تاریخ چین نقطه عطفی تاریخ ساز محسوب می‌شود و سفر دنگ به ایالات متحده و انعقاد قراردادهای همکاری علمی، آموزشی و فنی دو جانبه، پیوندهای نوینی برای انتقال تجارب علمی جهان به چین فراهم کرد. در این مرحله ده‌ها هزار چینی در قالب تیم‌های آموزشی و کاری و تحصیلی به خارج رفتند و سلسله‌ای از دانشمندان و مدیران و مهندسان نو اندیش چینی پدیدار شد.

از نظر اجرایی، در فاصله سالهای 84 تا 95 میلادی مناطق ویژه اقتصادی و پارک‌های فناوری و تحقیقاتی دنبال و طرح‌های آموزشی و پژوهشی ویژه‌ای به اجرا گذارده شد.

مهمترین برنامه‌های آموزشی، پژوهشی

1- برنامه مشعل:

( High Tech ) یکی از طرح‌های مهم دولت چین برنامه مشعل بود ( 1998 ) که در قالب آن چین حدود 50 منطقه توسعه فناوری ( ) در مناطق و نواحی ایجاد کرد و دانشگاه‌ها به صنعت متصل گردید و معافیت‌های مالیاتی و وام‌های تسهیلاتی برای شرکتهای بزرگ منظور گردید.

2- برنامه 63 :

این برنامه شامل اولویت‌های استراتژیک در عرصه اقتصاد بود، هدایت فناوری اطلاعات، لیزر، فناوری علوم دریایی و فضایی و بیوتکنولوژی و مواد عالی و فناوری خودرو را شامل گردید و تسهیلات دولتی و دستاوردهای کشورهای صنعتی در این مسیر تسهیل

گردید.

3- برنامه صاعقه:

این حرکت، « توسعه روستایی » چین از طریق پیشرفت علوم و فناوری تولید کشاورزی را از 1985 به بعد همراه با آموزش عمومی روستاییان و همگانی کردن علوم کشاورزی مکانیزه مورد هدف قرار داد.

4- برنامه اشاعه علوم و تکنولوژی:

این برنامه مبتنی بر حمایت از مراکز و شرکتهای دولتی بود و توسعه علمی و فنی در عرصه‌های تجاری و اقتصادی را دنبال می‌کرد و دستاوردها و تجربیات مدیران آموزش دیده و چینی‌های ماوراء بحار را در اختیار مدیران سنتی شرکتهای دولتی قرار می‌داد. این برنامه از سال 1980 به بعد دنبال شد.

5- برنامه ملی توسعه اولویت‌های تحقیقات بنیادین:

این برنامه از سال 1997 به بعد استراتژی‌های چند وجهی برای توسعه پژوهش و تحقیقات در علوم پایه را هدف قرار داد و به تشویق مادی و معنوی در حوزه‌های اقتصاد، انرژی و بهداشت و عرصه فناوری‌های نو توجه نمود.

6- برنامه تولیدات جدید ملی:

این برنامه همپای با گسترش همکاری‌های چین با جهان خارج، استانداردهای جهانی و مالکیت فکری و ثبت اختراعات و فناوری‌های بالا را در رأس برنامه‌ها قرار داد. نتیجه عملی اجرای این برنامه‌ها فراهم سازی زمینه‌ها و زیر ساخت‌های توسعه‌ای چین بود که مدل و الگوی توسعه بومی چین را فراهم آورد.

مدل و الگوی توسعه چینی

مدل رشد اقتصادی چین ترکیبی از آموزه‌های غربی و داشته‌های بومی است:

این الگو جهت دهنده تمامی برنامه‌ها و موتور حرکت اقتصاد چین است .

در اصل مدل توسعه چین، ترکیبی از عقلانیت و نظم عقلایی و سود محور غربی، همراه با ویژگی‌های بومی چینی است. در این مسیر اصلاحات نهادی و قانونی در بخش‌های مختلف دولتی به شکلی وسیع و همه جانبه صورت گرفت و این اصلاحات در چارچوب مکانیزم اجرایی رشد چینی همچنان ادامه دارد:

جمعیت قانع، کاری، صبور، سازمان پذیر و امیدوار چین، به‌مراه ساختار سراسری و پر قدرت حزبی، امنیت اجتماعی و روانی مناسبی برای جذب سرمایه‌های خارجی فراهم آورد که زبان مسالمت آمیز در سیاست‌خارجی و سیاست‌های آتشی جویانه منطقه‌ای هم نقش پشتیبان، حمایتگر و همکار در این سیاست را ایفاء نمود. بر این اساس، میزان سرمایه‌های خارجی تزریق شده در آموزش، پژوهش و پارک‌های صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی در دو دهه گذشته، از مرز 600 میلیارد دلار گذشته است و به عنوان مثال فقط در سال 2005 مبلغی نزدیک به 65 میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی در چین تحقق یافته‌است.

با پدید آمدن چنین شرایطی، دگرذیسی معناداری در مدیریت، کنترل، برنامه‌ریزی و هدایت چین به وجود آمده‌است و نسل نوینی از مدیران در کنار قله‌های ثروت در شرکت‌های بزرگ با شرکای خارجی ظهور کرده‌اند. این مدیریت جدید که تجربه، آموزش و کارایی مدیریت منابع و سرمایه‌های خارجی را دارد، بخش‌های سودآور تولیدی و بازرگانی را اداره کرده و مدیریت دولتی و انحصارات بزرگ حکومتی دیگر توان ادامه این روند را ندارد و باید مدیریت منابع خارجی آرام آرام به بخش خصوصی سپرده شود که این امر موجبات تحول در نظارت دولت بر اقتصاد را در پی خواهد داشت.

نتیجه گیری

در يك جمع‌بندی كلي مي‌توان گفت كه آنچه امروز چین را به « كارخانه دنيا » تبدیل کرده و به توسعه سریع علوم و فناوری و جهانی شدن این اقتصاد انجامیده است، شناخت همه جانبه و دقیق تحولات اقتصادی دنيا و بهره‌گیری مناسب و بهنگام از امکانات آموزشی و تجربی سایر ملل است.

این تعامل با همکاری مدیریت هوشمند و ساختار یافته حزبی و توانایی‌های مدیریتی، ارتباطاتی، سرمایه‌ای و اطلاعاتی چینی‌های ماوراء بحار حاصل شده است.

چنین بود كه رهبریت و مدیریت كارآمد چین قادر شد با فراهم ساختن زیر ساخت‌های لازم و جذب چینی‌های آن سوي آب‌ها، شركت‌های چند ملیتی و صاحبان سرمایه و كارآفرینان پرتجربه را به كناره‌های دیوار چین علاقه‌مند سازد. پس باید گفت، توان رقابتي چین امروز متكي بر توانایی‌های بسیاری است كه از جمله می‌توان بر توسعه هدفمند و برنامه‌ریزی شده، توسعه مراكز تحقیق و توسعه، همسان سازی قوانین و مقررات با تحولات عرصه تولید و تجارت جهانی، دیپلماسی اقتصادی فعال و تولید متناسب با نیازهای مشتری اشاره نمود.

این الگو توانسته است " رشد اقتصادی " چین را تضمین نماید و كشورآزدهای بيدار را در آستانه « توسعه اقتصادی » و پذیرش نقش‌های جدید بین‌المللی قرار دهد.

پیشنهاد ها:

مناسبات ایران و چین دارای ظرفیت‌ها و استعدادهای فراوانی است كه در گرو تجربه آموزی و نیازمند سطح قابل قبولی از اعتماد و تضمین منافع مشترك است.

رسیدن به این مهم با ایجاد يك مكانیزم فعال و پویا و گفت‌وگوهای مستمر و ملموس ممكن می‌گردد، تا دو طرف قانع شوند كه را در بردارد. (Win-Win همکاری و هم‌قدمی دوطرفه منافع مشترك ) در صورت آماده بودن بسترهای سیاسی، تعبیه يك " شاخص برای سنجش سطح اعتماد " یکی از ضرورت‌های روابط ایران و چین خواهد بود.

این چرخه فعال می‌تواند رهبران سیاسی را قانع كند كه برای رسیدن به منافع بهتر، " ریسك همکاری " را در تمامی زمینه‌ها بپذیرند. بنابراین در جامعه‌ای با ویژگی‌های چین امروز كه حرکت خود را بر مدار "سیاست متوازن و همکاری با همه طرف‌ها" قرار داده است، سنجش سطح اعتماد، كاری سخت‌تر و ظریف‌تر می‌نماید.

تجربه چین نشان می‌دهد كه فراهم آوری زمینه‌های اعتماد در گرو ملموس كردن دستاوردهای میان مدت و بلند مدت است و چینی‌ها علاقه‌مند هستند كه بدون تبلیغات و سروصداي سیاسی، مناسبات خود را به ویژه در بخش‌های آموزشی، پژوهشی و نیز عرصه‌های صنعتی، اقتصادی و تجاری با ایران گسترش دهند و نوعی از مناسبات محكم و قابل اتكا را پی‌ریزی كنند.

برای رسیدن به این مهم و عبور از همکاری‌های تجاری ساده و قدم نهادن در مسیر "همکاری‌های پروژه‌ای" و در نهایت ورود به "همکاری‌های مشارکتی" لازم است با ایجاد زمینه‌های رفع هر نوع سوء تفاهم، امکان سودآمندی دوجانبه مناسبات فراهم شود. مهم‌ترین راهكار برای طی این روند، علاقه‌مندسازی چینی‌ها به ظرفیت‌های همکاری و اطمینان دادن به مقامات پكن برای مستمر بودن و پایداری این همکاری‌ها است.

در این راستا، باید پروژه های آموزشی، تحقیقاتی و سرمایه‌گذاری چینی‌ها در ایران با جدیت و اولویت دنبال شود تا زمینه‌های " مشارکت راهبردی " با هدف پیشگیری، یا به تاخیر انداختن " نفوذ آمریکا و ناتو " در منطقه فراهم شود. برای تحقق این ایده، كار و تماس گسترده و برقراری رابطه نزدیک و متنوع با تمام شاخه‌های پژوهشی و آكادمی های تاثیرگذار در چین توصیه می‌شود.

بنابراین در چارچوب باورسازی و " اطمینان‌بخشی " برای چینی‌ها، لازم است توانایی‌ها و ظرفیت‌های همکاری در تمامی سطوح طرح شود . در این مسیر محورهای نظیر:

" جمعیت باسواد، كارشناس و نخبه ایران "

" منابع انرژی راهبردی ( نفت و گاز و منابع معدنی.. ) "

" موقعیت راهبردی و ژئواستراتژیکی ایران "

" شرایط ناپایدار خاورمیانه و ثبات و امنیت ایران "

می‌تواند مورد توجه و كار مشترك قرار گیرد.

از سویی به نظر می‌رسد:

می‌توان با چین بر اساس ظرفیت‌های پیش گفته، تعامل و مشارکتی پایدار، بر اساس اعتماد متقابل و متكي بر ظرفیت‌های همکاری، به ویژه در امر انرژی را تداوم بخشید.

در همکاری با چین هم چنین می‌توان:

"انتقال فناوری"، "سرمایه‌گذاری"، "تشکیل واحدهای مشترک آموزشی و پژوهشی" و "استفاده از توانایی‌های واسطه‌ای چین برای پرکردن خلا و فاصله ایران با صنعت و فناوری روز دنیا" مد نظر قرار داد. این روند می‌تواند همکاری اقتصادی دو کشور را از تمرکز بر واردات نفتی به سوی متنوع‌سازی همکاری‌های اقتصادی سوق دهد و علاوه بر نفت و مشتقات نفتی، سطح مبادلات دوجانبه و صادرات را در عرصه‌هایی نظیر محصولات شیمیایی و پتروشیمی، قیر، کلافه‌های کانی (سنگ آهن، چدن و کرومیت)، سنگ‌های ساختمانی، اقلام دامی و شیلاتی، فولاد، خشکبار و کشمش جدی‌تر و اقتصادی‌تر نماید. به ویژه آنکه می‌توان واردات فعلی ایران از چین را که متمرکز بر انواع ماشین‌آلات، وسایل الکترونیکی، منسوجات، تجهیزات حمل و نقل، لوازم التحریر، لوازم برقی خانگی، قفل و یراق و دانه‌های روغنی است، به سوی آموزش و شهرک‌های تحقیق و توسعه و پارک‌های فناوری و پروژه‌های (Brand انتقال فناوری، راه‌اندازی خطوط تولید و در نهایت به ایجاد مراکز جهت تولید کالا و محصولات تجاری با اعلام تجاری) مشهور در ایران و غرب آسیا سوق داد. این روند با وجود تجربه‌های موفق نظیر همکاری در ساخت مترو، احداث نیروگاه، سدسازی، کشتی‌سازی، احداث خطوط راه‌آهن، تولید واگن قطار و خودروسازی پرونده قابل دفاعی خواهد داشت.

پایان  
منابع :

1.Ministry of Information Industry of People`s Republic of China- Economic Cooperation Department .

2.China Semiconductor Industry Association (CSIA) – www.csia.net.cn

3.The Chines Peoples Institute of Foreign

4.High Level Meeting of Pivotal Partners for South- South and Triangular Cooperation

by Robert G. Sutter, Rowman & Littlefield publishers,2005" 5. China,s Rise In Asia: Promises And Perils .

6.China,s New Nationalism: Pride, Politics, and Diplomacy Gries , by peter Hays, University of California press,2005.

7 . چاینادیلی ، 23 و 2003/12/29 و 2004/1/13

8 . بیجینگ ریویو ، 2004/1/15

9.Ruan Zongje“ مقاله آقای

China Enhance Global Status” معاون مدیرکل موسسه مطالعات بین الملل چین تحت عنوان

10.Liu Baolai مقاله آقای  
"Diplomacy of Foreign Dignity"